

چهل حدیث از امام حسن عسکری (علیه السلام)

<?xml encoding="UTF-8">



قال الإمام العسکری (علیه السلام):

1- پرهیز از جدال و شوخی

«لَا تُمارِ فَيَذْهَبَ بِهَاؤُكَ وَ لَا تُمارِخْ فَيُجْتَرَأَ عَلَيْكَ.»

جدال مکن که ارزشت می‌رود و شوخی مکن که بر تو دلیر شوند.

2- تواضع در نشستن

«مَنْ رَضِيَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يَقُومَ.»

هر که به پایین نشستن در مجلس خشنود باشد، پیوسته خدا و فرشته‌ها بر او رحمت فرستند تا برخیزد.

3- هلاکت در ریاست و افشاگری

«دَعْ مَنْ ذَهَبَ يَمِينًا وَ شِمَالًا، فَإِنَّ الرَّاعِيَ يَجْمَعُ غَنَمَهُ جَمْعَهَا بِأَهْوَنِ سَعْيٍ وَ إِيَّاكَ وَ الإِذَاعَةَ وَ طَلَبَ الرِّيَاسَةِ،

فَإِنَّهُمَا يَدْعُوَانِ إِلَى الْهَلَكَةِ.»

آن که را به راست و چپ رود واگذار! به راستی چوپان، گوسفندانش را به کمتر تلاشی گرد آورد. مبدا اسرار را فاش کرده و سخن پراکنی کنی و در پی ریاست باشی، زیرا این دو، آدمی را به هلاکت میکشانند.

4- گناهی که بخشوده نشود

«مَنْ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا تُغْفَرُ : لَيْتَنِي لَا أُؤَاخِذُ إِلَّا بِهَذَا. ثُمَّ قَالَ: الْأَشْرَاكُ فِي النَّاسِ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الْمَسْحِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلِمَةِ.»

از جمله گناهانی که آمرزیده نشود این است که [آدمی] بگوید: ای کاش مرا به غیر از این گناه مؤاخذه نکنند. سپس فرمود: شرک در میان مردم از جنبش مورچه بر روپوش سیاه در شب تار نهانتر است.

5- نزدیکتر به اسم اعظم

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَبُ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا.»
«بسم الله الرحمن الرحيم» به اسم اعظم خدا، از سیاهی چشم به سفیدی اش نزدیکتر است.

6- دوستی نیکان و دشمنی بدان

«حُبُّ الْأَبْرَارِ لِلأَبْرَارِ ثَوَابٌ لِلأَبْرَارِ، وَ حُبُّ الْفُجَّارِ لِلأَبْرَارِ فَضِيلَةٌ لِلأَبْرَارِ، وَ بُغْضُ الْأَبْرَارِ لِلْفُجَّارِ خِزْيٌ عَلَى الْفُجَّارِ.»

دوستی نیکان به نیکان، ثوابست برای نیکان. و دوستی بدان به نیکان، فضیلت است برای نیکان. و دشمنی بدان با نیکان، زینت است برای نیکان. و دشمنی نیکان با بدان، رسوایی است برای بدان.

7- سلام نشانه تواضع

«مِنَ التَّوَاضُّعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ، وَ الْجُلُوسُ دُونَ شَرَفِ الْمَجْلِسِ.»

از جمله تواضع و فروتنی، سلام کردن بر هر کسی است که بر او میگذری، و نشستن در پایین مجلس است.

8- خنده بیجا

«مِنَ الْجَهْلِ الضَّحْكُ مِنْ غَيْرِ عَجَب.»

خنده بیجا از نادانی است.

9- همسایه بد

«مِنَ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظَّهَرَ جَارٌ إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَطْفَأَهَا وَ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا.»

از بلاهای کمرشکن، همسایه ای است که اگر کردار خوبی را ببیند نهانش سازد و اگر کردار بدی را ببیند آشکارش نماید.

10- پندی گویا و جامع

«أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَ الْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ وَ طَوْلِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ. فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله وسلم) صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَ آدُوا حُقُوقَهُمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَ آدَى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ: هَذَا شَيْعِي فَيَسُرُّنِي ذَلِكَ. اِتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زَبْنًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حَسَنٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ. لَنَاحِقُ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ قَرَابَةِ مَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ تَطْهِيرٍ مِنَ اللَّهِ لَا يَدْعِيهِ أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلَّا كَذَابٌ. أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذَكَرُوا الْمَوْتَ وَ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، إِحْفَظُوا مَا وَصَّيْتُكُمْ بِهِ وَ اسْتَوْدِعْكُمْ اللَّهُ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ.»

شما را به تقوای الهی و پارسایی در دینتان و تلاش برای خدا و راستگویی و امانتداری درباره کسی که شما را امین

دانسته نیکوکار باشد یا بدکار و طول سجود و حُسنِ همسایگی سفارش میکنم. محمد (صلی الله علیه وآله) برای همین آمده است. در میان جماعت های آنان نماز بخوانید و بر سر جنازه آنها حاضر شوید و مریضانشان را عیادت کنید. و حقوقشان را ادا نمایید، زیرا هر یک از شما چون در دینش پارسا و در سخنش راستگو و امانتدار و خوش اخلاق با مردم باشد، گفته میشود: این یک شیعه است، و این کارهاست که مرا خوشحال میسازد. تقوای الهی داشته باشید، مایه زینت باشید نه زشتی، تمام دوستی خود را به سوی ما بکشانید و همه زشتی را از ما بگردانید، زیرا هر خوبی که درباره ما گفته شود ما اهل آنیم و هر بدی درباره ما گفته شود ما از آن به دوریم. در کتاب خدا برای ما حقی و قرابتی از پیامبر خداست و خداوند ما را پاک شمرده، احدی جز ما مدعی این مقام نیست، مگر آن که دروغ میگوید. زیاد به یاد خدا باشید و زیاد یاد مرگ کنید و زیاد قرآن را تلاوت نمایید و زیاد بر پیغمبر (صلی الله علیه وآله) سلام و تحیت بفرستید. زیرا صلوات بر پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) ده حسنه دارد. آنچه را به شما گفتم حفظ کنید و شما را به خدا می سپارم، و سلام بر شما.

11- اندیشه در کار خدا

«لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ.»
 عبادت کردن به زیادی روزه و نماز نیست، بلکه [حقیقت] عبادت، زیاد در کار خدا اندیشیدن است.

12- پلیدی خشم

«الْعَصَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ.»
 خشم و غضب، کلید هر گونه شرّ و بدی است.

13- ویژگی های شیعیان

«شِيعَتُنَا الْفِئَةُ النَّاجِيَةُ وَالْفِرْقَةُ الرَّازِكِيَّةُ صَارُوا لَنَا رَادِّاً وَصَوْنًا وَعَلَى الظُّلْمَةِ أَلْبًا وَ عَوْنًا سَيَفْجُرُ لَهُمْ يَنَابِيعُ الْحَيَوَانِ بَعْدَ لَظِي مُجْتَمَعِ النَّيْرَانِ أَمَامَ الرُّوْضَةِ.»
 پیروان ما، گروه های نجات یابنده و فرقه های پاکی هستند که حافظان [آیین] مایند، و ایشان در مقابل

ستمکاران، سپر و کمک کار ما [هستند]. به زودی چشمه های حیات [منجی بشریت] بعد از گدازه توده های آتش! پیش از ظهور برای آنان خواهد جوشید.

14- نا آرامی کینه توز

«أَقْلُ النَّاسِ رَاحَةً الْحُقُودُ.»

کینه توز، نا آرامترین مردمان است.

15- پارساترین مردم

«أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ، أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ عَلَى الْفَرَائِضِ أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ، أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَادًا مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ.»

پارساترین مردم کسی است که در هنگام شبهه توقف کند. عابدترین مردم کسی است که واجبات را انجام دهد. زاهدترین مردم کسی است که حرام را ترک نماید. کوشنده ترین مردم کسی است که گناهان را رها سازد.

16- وجود مؤمن

«الْمُؤْمِنُ بَرَكَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ حُجَّةٌ عَلَى الْكَافِرِ.»

مؤمن برای مؤمن، برکت و بر کافر، اتمام حجت است.

17- محصول اعمال

«إِنَّكُمْ فِي آجَالٍ مَنقُوصَةٍ وَ أَيَّامٍ مَعْدُودَةٍ وَ الْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً، مَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يَحْصِدْ غَبَطَةً وَ مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَحْصِدْ نِدَامَةً، لِكُلِّ زَارِعٍ مَا زَرَعَ لَا يُسَبِّقُ بَطِيءٌ بِحَظِّهِ، وَ لَا يُدْرِكُ حَرِيصٌ مَا لَمْ يُقَدَّرْ لَهُ، مَنْ أُعْطِيَ خَيْرًا فَاللَّهُ أَعْطَاهُ، وَ مَنْ

وَقِيَ شَرًّا فَاَللَّهُ وَقَاهُ.»

شما عمر کاهنده و روزهای برشمرده ای دارید، و مرگ به ناگهان می آید، هر کس تخم خیری بکارد به خوشی بذرود، و هر کس تخم شرّی بکارد به پشیمانی بذرود. هر که هر چه بکارد همان برای اوست. گندکار را بهره از دست نرود و آزند آنچه را مقدرش نیست در نیابد، هر که به خیری رسد خدایش داده، و هر که از شرّی رهد خدایش رهانده.

18- شناخت احمق و حکیم

«قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فَمِهِ وَ فَمُ الْحَكِيمِ فِي قَلْبِهِ.»

قلب احمق در دهان او و دهان حکیم در قلب اوست.

19- تلاش برای رزق مقدر

«لَا يَشْغَلْكَ رِزْقُ مَضْمُونٍ عَنْ عَمَلٍ مَفْرُوضٍ.»

رزق و روزی ضمانت شده، تو را از کار واجب باز ندارد.

20- عزّت حقگرای

«مَا تَرَكَ الْحَقُّ عَزِيزٌ إِلَّا ذَلًّا، وَلَا أَخَذَ بِهِ ذَلِيلٌ إِلَّا عَزًّا.»

هیچ عزیزی حق را رها نکند، مگر آن که ذلیل گردد و هیچ ذلیلی به حق نیاویزد، مگر آن که عزیز شود.

21- دوست نادان

«صَدِيقُ الْجَاهِلِ تَعَبٌ.»

دوست نادان، مایه رنج است.

22- بهترین خصلت

«خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ نَفْعُ الْإِخْوَانِ.»

دو خصلت است که بهتر و بالاتر از آنها چیزی نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به برادران.

23- نتیجه جسارت بر پدر

«جُرْأَةُ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُو إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ.»

جرات و دلیری فرزند بر پدرش در کوچکی، سبب عاق و نارضایتی پدر در بزرگی میشود.

24- بهتر از حیات و بدتر از مرگ

«خَيْرٌ مِنَ الْحَيَاةِ مَا إِذَا فَقَدْتَهُ أَبْغَضْتَ الْحَيَاةَ وَ شَرُّ مِنَ الْمَوْتِ مَا إِذَا نَزَلَ بِكَ أَحَبَبْتَ الْمَوْتَ.»

بهتر از زندگی چیزی است که چون از دستش دهی، از زندگی بدت آید، و بدتر از مرگ چیزی است که چون به سرت آید مرگ را دوست بداری.

25- وابستگی و خواری

«مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تُذِلُّهُ.»

چه زشت است برای مؤمن، دل بستگی به چیزی که او را خوار دارد.

26- نعمت بلا

«مَا مِنْ بَلِيَّةٍ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا نِعْمَةٌ تَحِيطُ بِهَا.»

هیچ بلایی نیست، مگر این که در آن از طرف خدا نعمتی است.

27- اکرام بدون افراط

«لَا تُكْرِمِ الرَّجُلَ بِمَا يَشُقُّ عَلَيْهِ.»

هیچ کس را طوری اکرام مکن که بر او سخت گذرد.

28- ارزش پند پنهان

«مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ.»

هر که در نهان، برادر خود را پند دهد او را آراسته، و هر که آشکارا برادرش را پند دهد او را کاسته.

29- تواضع و فروتنی

«الْتَوَاضِعُ نِعْمَةٌ لَا يُحْسَدُ عَلَيْهَا.»

تواضع و فروتنی، نعمتی است که بر آن حسد نبرند.

30- سختی تربیت نادان

«رِيَاضَةُ الْجَاهِلِ وَ رَدُّ الْمُعْتَادِ عَنْ عَادَتِهِ كَالْمُعْجَزِ.»

پرورش دادن نادان و ترک دادن معتاد از عادتش، مانند معجزه است.

31- شادی بیجا

«لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرَحِ عِنْدَ الْمَحْزُونِ.»

اظهار شادی نزد غم‌دیده، از بی ادبی است.

32- جمال ظاهر و باطن

«حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالُ ظَاهِرٍ، وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالُ بَاطِنٍ.»

صورت نیکو، زیبایی ظاهری است، و عقل نیکو، زیبایی باطنی است.

33- کلید تمام گناهان

«جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ.»

تمام پلیدی ها در خانه ای قرار داده شده و کلید آن دروغگویی است.

34- چشم پوشی از لغزش و یادآوری احسان

«خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسِيَ ذَنْبَكَ وَ ذَكَرَ إِحْسَانَكَ إِلَيْهِ.»

بهترین برادران تو کسی است که خطایات را نادیده گیرد و احسانت را یادآور شود.

35- مدح نالایق

«مَنْ مَدَحَ غَيْرَ الْمُسْتَحِقِّ فَقَدْ قَامَ مَقَامَ الْمُتَّهَمِ.»

هر که نالایقی را ثنا گوید، خود در موضعِ اِثِّهام قرار گیرد.

36- راه دوست یابی

«مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ، وَالْكَرَمُ طَبِيعَتَهُ، وَالْحِلْمُ خُلُقَتَهُ كَثُرَ صَدِيقُهُ.»

کسی که پارسایی خوی او، و بخشنده‌گی طبیعت او، و بردباری خصلت او باشد دوستانش بسیار شوند.

37- انس با خدا

«مَنْ آتَسَّ بِاللَّهِ اسْتَوْحَشَ مِنَ النَّاسِ.»

کسی که با خدا مأنوس باشد، از مردم گریزان گردد.

38- خرابی مناره ها و کاخ ها

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَمَرَ بِهَدْمِ الْمَنَائِرِ وَالْمَقَاصِيرِ الَّتِي فِي الْمَسَاجِدِ.»

هنگامی که قائم (علیه السلام) قیام کند، دستور به خرابی مناره ها و کاخ های مساجد دهد.

39- نماز شب، سیر شبانه

«إِنَّ الْوُضُوءَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ.»

وصول به خداوند عزوجل، سفری است که جز با عبادت در شب حاصل نگردد.

40- ادبی بسنده

«كَفَاكَ أَدَبًا تَجَنُّبُكَ مَا تَكْرَهُ مِنْ غَيْرِكَ.»

در مقام ادب برای تو همین بس که آنچه برای دیگران نمی پسندی، خود، از آن دوری کنی.